خبر

سقوط قیمت بلیت هواپیما با کاهش تقاضای مردم

● **ایسنا:** مدیرکل دفتر نظارت بر فرودگاه‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات هوانوردی سازمان هواپیمایی کشوری اعلام کرد: در پی کاهش ۷۰درصدی پروازها و تقاضای مردم برای سفرهای هوایی در هفته گذشته، قیمت بلیت هواپیما به کمترین حد خود رسید. حسن خوشخو اظهار کرد: در پی اعمال محدودیت پذیرش مسافر هوایی از سوی ستاد ملی مقابله با کرونا، پروازهای داخلی در هفته گذشته ۷۰ درصد کاهش پیدا کرد و با وجود این میزان کاهش، تقاضای مردم هم برای سفرهای هوایی به حداقل رسید به گونه‌ای که حتی هواپیماها در این پروازهای محدود هم پر نمی‌شد. وی افزود: وضعیت پروازهای داخلی در روزها و هفته گذشته نشان می‌دهد که تقاضا برای سفر بسیار کاهش پیدا کرده و این افت تقاضا بیانگر این است که مردم خودشان پروتکل‌ها را رعایت کرده و نگران شرایط کرونایی به‌وجودآمده هستند، بنابراین به سفر نمی‌روند. مدیرکل دفتر نظارت بر فرودگاه‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات هوانوردی سازمان هواپیمایی کشوری ادامه داد: همین مسئله سبب شده تا قیمت بلیت هواپیما کاهش شدیدی داشته باشد. به‌عنوان مثال حداکثر نرخ بلیت تهران-مشهد به حدود ۳۵۰ هزار تومان کاهش پیدا کرد و این کاهش شدید تقاضا در شرایطی اتفاق افتاده که تعداد پروازهای مسافری در همه مسیرهای داخلی به دستور ستاد ملی مقابله با کرونا تا ۷۰ درصد کمتر شد. خوشخو با اشاره به کاهش ۷۰درصدی پروازهای مشهد در هفته گذشته مصادف با ایام تاسوعا و عاشورا گفت: برخی از شرکت‌های هواپیمایی نیز در این شرایط به این دلیل پروازهایشان را با لود پایین مسافر انجام می‌دهند که همچنان شبکه پروازی‌شان فعال باشد چراکه از نظر اقتصادی هیچ توجیهی برای آنها ندارد. وی با بیان اینکه در هفته گذشته شکایتی برای بروز تخلف احتمالی از سوی ایرلاین‌ها دریافت نکردیم، تأکید کرد: محدودیت ۷۰درصدی پروازهای داخلی تا پنجم شهریور ماه ادامه دارد چراکه مصوبه ستاد ملی مقابله با کرونا تا این تاریخ تمدید شده و اگر از این به بعد نیز تمدید شود بر اجرای آن نظارت خواهیم کرد.

نرخ تورم مردادماه به ۴۵/۲ درصد رسید

● **ایرنا:** براساس اعلام مرکز ملی آمار ایران، نرخ تورم مردادماه ۱۴۰۰ برابر ۴۵.۲ درصد بود که نسبت به ماه قبل یک واحد درصد رشد را نشان می‌دهد. مرکز آمار نرخ تورم دومین ماه تابستان ۱۴۰۰ را منتشر کرده که براساس آن نرخ تورم نقطه‌ای و ماهانه در این دوره به ترتیب ۰.۴ و ۰.۳ واحد درصد کاهش یافته و در مقابل نرخ تورم سالانه یک واحد درصد افزایش یافته است. منظور از نرخ تورم نقطه‌ای، درصد تغییر عدد شاخص قیمت، نسبت به ماه مشابه سال قبل است. نرخ تورم نقطه‌ای در مرداد ماه ۱۴۰۰ به عدد ۴۳.۲ درصد رسیده است؛ یعنی خانوارهای کشور به طور میانگین ۴۳.۲ درصد بیشتر از مرداد ۱۳۹۹ برای خرید یک «مجموعه کالاها و خدمات یکسان» هزینه کرده‌اند. نرخ تورم نقطه‌ای مرداد ماه ۱۴۰۰ در مقایسه با ماه قبل ۰.۴ واحد درصد کاهش یافته است. نرخ تورم نقطه‌ای گروه عمده «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات» با افزایش ۱.۵ واحد درصدی به ۵۸.۴ درصد و گروه «کالاهای غیرخوراکی و خدمات» با کاهش ۱.۳ واحد درصدی به ۳۶.۱ درصد رسیده است. این در حالی است که نرخ تورم نقطه‌ای برای خانوارهای شهری ۴۲.۴ درصد است که نسبت به ماه قبل ۰.۵ واحد درصد کاهش داشته است. همچنین این نرخ برای خانوارهای روستایی ۴۷.۷ درصد بوده که نسبت به ماه قبل تغییری نداشته است. تورم ماهانه برای گروه‌های عمده «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات» و «کالاهای غیرخوراکی و خدمات» به ترتیب ۴.۶ درصد و ۲.۴ درصد بوده است. این در حالی است که نرخ تورم ماهانه برای خانوارهای شهری ۳.۲ درصد است که نسبت به ماه قبل ۰.۴ واحد درصد کاهش داشته است. همچنین این نرخ برای خانوارهای روستایی ۳.۲ درصد بوده که نسبت به ماه قبل تغییری نداشته است. نرخ تورم سالانه مرداد ماه ۱۴۰۰ برای خانوارهای کشور به ۴۵.۲ درصد رسیده که نسبت به همین اطلاع در ماه قبل، ۱.۰ واحد درصد افزایش نشان می‌دهد.

مرور برنامه منتشرشده وزیر پیشنهادی نفت

فروش نفت اوج می‌گیرد؟

بهروزی‌فرد، کارشناس اقتصاد انرژی: تهاتر مربوط به دوره قبل از کشف پول است

شرق: با توجه به موقعیت ویژه ایران در حداقل یک دهه اخیر، با سرکارآمدن هر رئیس‌جمهور جدیدی عملکرد او در چند حوزه به دقت زیر ذره‌بین قرار می‌گیرد؛ نخست سیاست خارجی و دوم مسائل اقتصادی. دو مسئله که شرایط ویژه کشور آنها را به یکدیگر گره زده است. اقتصاد ایران به گفته بسیاری از تحلیلگران و نیز به باور عموم به سیاست خارجی گره خورده است. از جمله معضل نفت ایران به‌عنوان مهم‌ترین رانه اقتصاد کشور امروز لنگ سیاست خارجی و رفع تحریم است. ازاین‌رو وزیر نفت و سیاست‌های نفتی او با روی‌کارآمدن دولت آقای رئیسی حساسیت زیادی برانگیخت. روند انتخاب وزیر نفت به‌شدت چالشی بود و برای مدتی خوراک خبری مناسبی برای رسانه‌ها درست کرد و در نهایت وزیری سر کار آمد که کسی حدسش را نزده بود؛ «جواد اوجی» که هنوز دست‌فرمانش مشخص نیست. روابط نزدیک او با مسعود میرکاظمی یک چیز می‌گوید و سابقه عملکردش در نفت چیز دیگری. به گفته برخی هرچند «اوجی» مدیر قدرتمندی نیست اما حداقل نفتی است و بازار و روند کار وزارتخانه پیچیده نفت را می‌شناسد و احتمال حرکات محیرالعقول از سمت او زیاد نیست. اما نزدیکی او با «مسعود میرکاظمی» کمی این ارزیابی را تضعیف می‌کند. وزیر نفت پیشین ایران که در زمان وزارتش نشان داد عاشق حرکات خارق‌العاده و آکروباتیک است. او حالا بر مسند ریاست «سازمان برنامه و بودجه» تکیه زده و با بودجه‌ای سروکار دارد با کسری بسیار بالا که عمده آن به دلیل کسری فروش نفت در وزارتخانه‌ای است که حالا قرار است به دوستش، «اوجی» برسد و تا به حال فقط هشت درصد از تعهدات بودجه‌ای خود را محقق کرده است. آیا روی‌کارآمدن اوجی مشکل فروش نفت را حل می‌کند؟ ادعای خودش حداقل این است که می‌تواند. وزیر نفت جدید برنامه‌ای در ۲۲ صفحه منتشر کرده است که مروری کوتاه بر آن شاید چیزی دستگیر آدم کند.

اما پیش از آن سراغی از سخنان نفتی خود رئیس‌جمهوری یا نزدیکان او بگیریم. آقای رئیسی در دوران انتخابات حرف چندانی درباره مشخصا مسئله نفت نزد و به تکرار حرف‌هایی اکتفا کرد که هر رئیس‌جمهور دیگری هم ممکن بود بزند. توقف خام‌فروشی، شعاری که عمرش لااقل ۴۰ سال است و ایضا اتکا بر توان داخلی. این خلاصه حرف‌های رئیسی در دوران انتخابات بود.

اما بلافاصله پس از پیروزی، مشاور ارشد رئیسی در امور انرژی، «علیرضا ضیغمی»، در مصاحبه با یکی از رسانه‌های معتبر انرژی جهان، «اس.اند.پی گلوبال‌پلتس» حرف‌هایی زد که حالا می‌توان نسبت آن را با برنامه‌های منتشرشده «اوجی» سنجید. ضیغمی در آن مصاحبه به «پلتس» درباره مسئله همکاری با شرکت‌های بین‌المللی غربی، نظیر توتال، گفت شخصا تمایل چندانی به این کار ندارد چراکه این شرکت‌ها «غیرقابل اعتماد» هستند. او برای کمبود سرمایه‌گذاری در صنعت نفت بحث همکاری با چین را پیش کشید و گفت بخشی از سرمایه‌گذاری ۲۵۰میلیارددلاری چین در بخش انرژی خواهد بود و گفت ترجیح به همکاری با چین است چون با ما رفتاری عادلانه دارند. درباره تحریم‌ها نیز گفت موضوعی جداگانه است و ما می‌توانیم در شرایط تحریم هم به ظرفیت تولید چهار میلیون بشکه در روز برسیم و البته توضیح نداد که چطور می‌خواهیم آن را بفروشیم. تولید ایران اکنون چیزی حدود ۲.۵ میلیون بشکه در روز است.

برخی از این سخنان در برنامه منتشرشده «اوجی» نیز بازتاب دارند. مثلا در یک بند آن ذیل عنوان «بازاریابی . فروش» آمده است: «به‌کارگیری روش تهاتر نفت با کالا و انتخاب مشتریان راهبردی در آسیا از جمله هند و چین». در بند دیگری از برنامه وزیر پیشنهادی دولت ذیل عنوان «اقدامات اساسی و فوریت‌دار در مجموعه وزارت نفت» می‌خوانیم: «تمرکز بر دورزدن و خنثی‌سازی تحریم‌ها و افزایش صادرات نفت و میعانات گازی» که می‌توان از آن نتیجه گرفت «برنامه‌ای فوریت‌دار» یا شاید هم احتمالی برای رفع تحریم‌ها در کوتاه‌مدت در چشم‌انداز وجود ندارد. درباره سرمایه‌گذاری خارجی نیز روی «اوجی» به سمت پکن است: «پیگیری جذب سرمایه‌گذاران خارجی در صنعت نفت از جمله توافق جامع راهبردی با کشور چین».

اما نکته دیگر برنامه «اوجی» صحبت از مدل قراردادهاست. در این بخش برنامه آمده است: «عدم جذابیت مدل‌های قراردادی موجود برای جلب سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی». با توجه به بقیه مسائل اساسی مطرح‌شده در برنامه «اوجی» و صحبت‌های «ضیغمی» این بخش به‌ظاهر تزئینی است. مدل‌های قراردادی که جذابیت داشته باشد دارای دو نکته است: یکی اینکه جذابیت عموما برای جذب «غول‌ها» است. بزرگان نفت آمریکایی و اروپایی و مدل جذاب قرارداد برای اینها هم قراردادهای «مشارکت در تولید» است. پس تناقضی اینجا هست که اگر رفع تحریمی در کار نباشد ماجرای قرارداد جذاب اصلا سالبه به انتفای موضوع است. یعنی کسی برای قرارداد نیست که بخواهیم تست سنجش جذابیت قرارداد برایش بگیریم. با این حال در برنامه «اوجی» در توضیح این بند آمده است: «جلب و جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی، راه‌حل کلیدی افزایش ظرفیت تولید است که پیگیری آن مستلزم عزم و اراده جدی و عمومی و پشتیبانی از مجریان کار و حمایت همه‌جانبه مسئولان نظام و مجلس شورای اسلامی در چارچوب‌های قانونی پیش‌بینی‌شده است. به‌عنوان یک مثال عامیانه، صنعت نفت گاو شیرده کشور است و سرمایه‌گذاری در صنعت نفت به‌مثابه تأمین مداوم خوراک و علوفه آن است و در صورت کاهش و قطع آن، منبع درآمد اصلی کشور دچار مشکل خواهد شد. در غیر این صورت کشور دچار آسیب‌های جبران‌ناپذیری خواهد شد». اگر بخواهیم تا حدی نیت‌خوانی کنیم به نظر می‌رسد این بخش اشاره‌ای محتاطانه به این مسئله است که اگر تحریم رفع نشود عواقب جبران‌ناپذیری پیش‌رو است.

مسئله مرتبط با ورود شرکت‌های بین‌المللی بحث میدان‌های مشترک است. در این بخش از برنامه «اوجی» آمده است: «در راستای تعیین تکلیف، تکمیل توسعه و تولید حداکثری از میادین مشترک نفتی و گازی مهم در نواحی خشکی و دریایی اقدام مؤثری صورت نگرفته است و در طی سال ۹۲ نسبت به فسخ و کأن لم یکن نمودن برخی از قراردادهای سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی اقدام شده است که به‌عنوان مثال به فسخ قرارداد خارجی توسعه میدان مشترک آزادگان جنوبی و کأن لم یکن نمودن قراردادهای داخلی توسعه فاز ۱۱ میدان مشترک پارس جنوبی و فرزاد آ می‌توان اشاره نمود. بنابراین عدم تکمیل و توسعه و تولید حداکثری از میادین مشترک نفتی و گازی ازجمله میادین آزادگان جنوبی، فازهای دوم و سوم میدان یادآوران، فاز دوم میدان‌های یاران شمالی و جنوبی و میدان اروند در منطقه غرب کارون در استان خوزستان و نیز میادین گازی فاز ۱۱ پارس جنوبی، فرزاد آ و فرزاد ب و نیز میدان نفتی اسفندیار در خلیج فارس و نیز طرح‌های نگهداشت توان تولید سایر میادین مشترک از اهم چالش‌های اساسی وزارت نفت است» که اشاره‌ای است به روی‌کارآمدن دولت روحانی و وزارت زنگنه که چینی‌ها اخراج شدند و بنا شد توتال با رفع تحریم‌ها وارد کار شود که نشد و شد آنچه شد.

به‌هرحال مسئله میدان‌های مشترک را بدون هیچ درنگ و تردیدی می‌توان گفت تنها با جذب سرمایه‌گذاری خارجی و ورود «غول‌ها» می‌توان علاج کرد وگرنه تا حالا خودمان یا چینی‌ها انجام داده بودیم.

درباره این موضوع با «مرتضی بهروزی‌فرد» کارشناس اقتصاد انرژی تماس گرفتیم.

تکیه بر داخل شوخی است، بر چین و روسیه بی‌فایده

ابتدا نظر آقای بهروزی‌فرد درباره انتخاب آقای اوجی به‌عنوان وزیر نفت را جویا می‌شویم که می‌گوید سیاسی نیست و در این مسائل داخل نمی‌شود. پس صاف می‌رویم سر موضوع اصلی یعنی برنامه وزیر پیشنهادی. «بهروزی‌فرد» می‌گوید هر برنامه‌ای، چه آقای «اوجی» نوشته باشد چه هرکس دیگر باید گفت مهم‌ترین مسئله تحریم است که فروش نفت ایران را غیرممکن کرده است. ما هم برای توسعه بخش بالادستی و هم بخش پایین‌دستی نیاز به روابط خارجی داریم. پس بهتر است با حفظ عزت با جامعه جهانی وارد تعامل شویم و دیوارها فرو بریزد. می‌پرسیم آیا از برنامه و سخنان وزیر چنین چیزی برمی‌آید؟ جواب این است که وزارت نفت بخشی از دولت است و نگاه به آن از درون این چارچوب معنادار است. وزیر نفت می‌تواند مشکلات را منتقل کند. اما حل مسئله در توان دولت هم نیست بلکه مجموع حاکمیت می‌تواند مسئله را حل کند. می‌گوییم برآوردی که از برنامه وزیر و سخنان افراد نزدیک به دولت می‌شود حرکت به این سمت نیست. جواب اینکه من هم اگر سیاست‌مدار بودم شاید همین را می‌گفتم. ولی از نظر اقتصاد که کار من است اگر تحریم‌ها بمانند و اگر اجماع علیه ایران شکل بگیرد، همین میزان اندکی هم که امروز می‌فروشیم غیرممکن می‌شود و دیگر دورزدن آن هم ممکن نیست. این نفتی که الان می‌فروشیم به شرکت‌های کوچک چینی است مثلا به پالایشگاه دورافتاده‌ای در چین که اصلا مراوده بین‌المللی ندارد. اما شرکتی که در آمریکا یا اروپا کار می‌کند دیگر جرئت نمی‌کند از ما خرید کند. با اجماع همان کوچک‌ها هم نمی‌خرند. من سیاست بلد نیستم اما در اقتصاد امکان رشد بدون تعامل وجود ندارد. درباره حرف آقای «ضیغمی» مشاور انرژی رئیس‌جمهور که گفته بود چهار میلیون ظرفیت تولید ایجاد می‌کنیم چه نظری دارید؟ نظر این است که اصلا ظرفیت ۱۴ میلیون بشکه داشته باشید، وقتی نفروشید می‌خواهید چه کارش کنید. به بندی از برنامه «اوجی» درباره تهاتر نفت با چین و هند اشاره می‌کنیم. «بهروزی‌فرد» می‌گوید تهاتر با فروش هیچ تفاوتی ندارد. اصلا این حرف بی‌معنی است. مثلا «ریلاینس» (غول نفتی هند) نفت ما را می‌خرد؟ اصلا مگر با تهاتر می‌شود کشور را اداره کرد؟ این کار برای دوره قبل از کشف پول است. می‌پرسیم در برنامه اوجی به روش‌های جدید دورزدن تحریم اشاره شده است. جواب می‌شنویم که هیچ شرکتی بین‌المللی طرف حساب ما نمی‌شود. بعضی فکر می‌کنند با محصولات پالایشی می‌توانند درآمدزایی کنند، شاید در بازارهای منطقه‌ای کوچک مثل افغانستان و پاکستان و به شکل مقطعی بشود ولی در حجم بالا غیرممکن است. شما برای صادرات چه فراورده باشد چه نفت به یک زنجیره چهارقسمتی نیاز دارید ۱) خریدار که با تحریم وجود ندارد. حالا بر فرض مثال یک مشتری از هند آمد. ۲) برای انتقال کشتی نیاز است که بارگیری کند. حالا کشتی هم پیدا شد.۳) باید یک شرکت بیمه باشد که محموله را بیمه کند که با تحریم غیرممکن است. گیریم این هم شد. ۴) چطور پولش را بگیریم؟ چین مگر شریک استراتژیک ما نیست؟ پس چرا ۲۰ میلیارد دلار پول ما آنجا بلوکه شده؟ حتی برای واکسن و مصارف پزشکی هم نمی‌شود از این پول استفاده کرد چون آن بانک چینی هم حساب تحریم‌ها را می‌کند. چین و روسیه مشکل ما را حل نمی‌کنند. نه اینکه من مخالفت با همکاری با آنها داشته باشم. دو تا مثال برای این دو کشور بزنم. روسیه چرا پروژه «نورداستریم ۲» را نمی‌تواند نهایی کند با اینکه آلمان هم اشتیاق دارد. به خاطر تحریم. یا چین که ذخایر عظیم گاز شیل دارد چرا برداشت نمی‌کند که از واردات بی‌نیاز شود؟ اگر تکنولوژی داشت خودش می‌کرد. درباره توجه اوجی به میادین مشترک سؤال کردیم. این کارشناس اقتصاد انرژی می‌گوید یک کلام، برای نگهداشت تولید پارس جنوبی ۵۰ میلیارد دلار پول نیاز داریم. داریم؟ فرض کنید تکنولوژی هم داریم که نداریم. برای فشارافزایی میادین گاز امسال احتمالا مشکل پیدا کنیم و زمستان با کمبود گاز مواجهیم. این وضعیت واقعی ما است. تکیه مطلق بر داخل امروز شوخی است. مسئله وابستگی از ۵۰ یا ۷۰ سال به این طرف مفهومش عوض شده و به معنای انزوا نیست. دوستی مثالی می‌زد که روشن می‌کند مسئله را. فرض کنید کشور الف پنج میلیارد صادرات و پنج میلیارد واردات دارد. یعنی تراز تجاری آن صفر است. کشور ب را تصور کنید که ۱۰۰ میلیارد دلار واردات و ۱۰۰ میلیارد دلار صادرات دارد و تراز تجاری آن هم صفر است. اما حذف کدام کشور راحت‌تر است؟ حذف کشور ب برای کسی که حتی نه کالای استراتژیکی مثل نفت، بگویید لواشک از آن وارد می‌کند دردسرساز است. باید تمام تلاشمان این باشد که اقتصادمان را در اقتصاد جهانی تنیده‌تر کنیم.

رئیس اتاق ایران از حمایت فعالان بخش خصوصی از وزیر پیشنهادی اقتصاد سخن گفت

نسبت بخش خصوصی با خاندوزی

شرق: مردی که تازه ۴۰سالگی را پشت سر گذاشته و پیش‌تر با رأی نه‌چندان بالای مردم تهران به مجلس راه پیدا کرد، حالا نامزد تصدی یکی از مهم‌ترین وزارتخانه‌های دولت سیزدهم، آن هم در دوران فشار مضاعف اقتصادی بر دهک‌های پایین جامعه است. سید احسان خاندوزی که پیش‌تر و در سال‌های گذشته به‌عنوان یکی از اقتصاددان‌های جوان جریان اصولگرا در رسانه‌ها و گروه‌های این جریان سیاسی معرفی و برجسته شد، این روزها مخالفان چندانی در مجلس هم ندارد و به نظر می‌آید با رأی بالای همکاران کنونی خود به‌زودی از خانه ملت عازم وزارتخانه اقتصاد خواهد شد. در این بین، البته بازارهای مختلف هم در روزهای گذشته روی خوشی به خاندوزی نشان دادند و حالا به نظر می‌آید بخش خصوصی و جریان‌های مختلف اقتصادی کشور هم به صف حامیان او برای تصدی این وزارتخانه پیوسته‌اند. همین دیروز غلامحسین شافعی، رئیس اتاق ایران، از حمایت فعالان بخش خصوصی از وزیر پیشنهادی اقتصاد سخن گفت. شافعی که با پایگاه خبری اتاق ایران سخن می‌گفت درباره دلایل این حمایت گفت: «خاندوزی کارشناس اقتصادی است که با محیط کسب‌وکار آشناست. این مشخصه برای رئیس شورای گفت‌وگو خیلی اهمیت دارد و او به نگاه کارشناسی اهمیت می‌دهد». در روزهای گذشته نمایندگان بخش خصوصی در اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران بارها از وضعیت استثنائی اقتصاد در کشور گفته‌اند و در طول این مدت، چندین بسته اصلاح سیاست‌گذاری اقتصادی در کشور از سوی اتاق ایران ارائه شده است. در آن گزارش‌ها عنوان شده که اقتصاد در چند دهه اخیر به‌ویژه ۱۰ سال اخیر با تورم بسیار بالا، رکود اقتصادی و اشتغال‌زایی بسیار پایین و بی‌کیفیت و گسترش فقر و نابرابری مواجه است و معمولا سیاست‌گذار اقتصادی با اتخاذ سیاست‌های مُسکن‌گونه، علاج ریشه‌ای مشکلات را به آینده موکول کرده است. برون‌رفت از این شرایط نیازمند اصلاحات اساسی در سیاست‌گذاری‌ها و ساختارها است. رئیس اتاق ایران درباره این شرایط هم می‌گوید: «کاری که آقای ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهوری در چیدن تیم اقتصادی انجام داده، متفاوت از گذشته است. او از دایره بسته دائمی بیرون آمده و این اقدامی کاملا مثبت است. برای همین می‌توانیم امیدوار باشیم که گرفتار دور باطل چرخه مشکلات نشویم».

او درباره خاندوزی گزینه وزارت امور اقتصادی و دارایی دولت سیزدهم هم می‌گوید: «آقای خاندوزی خیلی از نشانه‌های مورد تقاضای فعالان اقتصادی را دارد به همین دلیل مورد حمایت فعالان بخش خصوصی برای تصدی این پست هستند. او جوانی است که انرژی کافی برای کار دارد. جسارت لازم را برای ایجاد تغییر دارد. خاندوزی مدتی در مرکز پژوهش‌های مجلس کار کرده و خودش هم کار کارشناسی انجام داده است. حضور یک کارشناس در وزارت امور اقتصادی و دارایی حداقل استفاده‌ای که دارد این است که به نظر کارشناسان دیگر اهمیت می‌دهد و با آنها مشورت می‌کند و نظرات کارشناسی را قبول می‌کند. در جایی که نظر کارشناسی حاکم باشد، حتما توفیق لازم به دست خواهد آمد. اهمیت و لزوم مشورت با کارشناسان را بارها و بارها بخش خصوصی تأکید کرده است». رئیس اتاق ایران به تجربه گزینه وزارت اقتصاد در مجلس هم اشاره می‌کند و آن را یک امتیاز مثبت می‌داند: «خاندوزی در قوه مقننه هم مدتی به‌عنوان نماینده مجلس مشغول به کار بود. بنابراین به رابطه مطلوب دولت و مجلس و لزوم آن آگاهی دارد و این حتما نقطه مثبتی خواهد بود. خاندوزی اهل تعامل و گفت‌وگو است و این خصیصه، امیدواری زیادی را در بین فعالان اقتصادی ایجاد می‌کند که بین تیم اقتصادی دولت یعنی وزیر امور اقتصادی و دارایی، رئیس بانک مرکزی، رئیس سازمان برنامه‌وبودجه و سایر ارکان اقتصادی، هماهنگی لازم به وجود بیاید و خود همین مسئله بسیار قابل اهمیت است». رئیس اتاق ایران به شناخت وزیر امور اقتصادی و دارایی به‌عنوان رئیس شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی از مشکلات اقتصادی کشور هم اشاره می‌کند و با تأکید بر تجربه خاندوزی در مرکز پژوهش‌های مجلس می‌گوید: «او در هر فصل از سال یک بار فضای اقتصاد کشور و محیط کسب‌وکار را رصد و معیارهای اثرگذار را سنجش کرده و گزارش ارائه می‌داد. بنابراین به مشکلات محیط کسب‌وکار و لزوم اصلاح آن آشناست و این مشخصه در شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی می‌تواند نتایج مثبتی برای فعالان اقتصادی داشته باشد».

این توضیحات اگرچه به معنای حمایت جریان مهمی از بخش خصوصی از وزارت خاندوزی است، اما به نظر تأکیدی بر انتخاب بهترین گزینه در بین شرایط و گزینه‌های موجود است و شاید بتوان این حمایت را مشروط دانست. هرچه هست به نظر می‌آید خاندوزی برای گذر از سد مجلس مشکل چندانی ندارد اما حتما برای تغییر و تحول در شرایط اقتصادی کشور مسیر سخت و دشواری پیش‌روی او است.

آگهی مناقصهٔ عمومی انتخاب پیمانکار تامین نیروی خدماتی کتابخانه های عمومی کشور

نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور در نظر دارد انتخاب پیمانکار جهت تامین نیروی خدماتی ساختمانهای ستادی مرکزی، ادارات کل استان ها و کتابخانه های عمومی تابعه آن در سراسر کشور را از طریق برگزاری مناقصه عمومی و انعقاد قرارداد با اشخاص حقوقی ذیصلاح از طریق سامانهٔ تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) واگذار نماید. لازم به توضیح است کلیهٔ مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها، از طریق درگاه سامانهٔ تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) انجام خواهد شد.

شناسه آگهی ۱۱۷۸۶۸۰
شماره م الف ۱۷۹۹

مدیر کل منابع انسانی وپشتیبانی

یادداشت

پکن می‌خواهد افغانستان را مسیر ورودی نفت و گاز کند؟

دلایل اقتصادی حمایت چین از طالبان

● **رضا کریمی. کارشناس آسیای مرکزی و قفقاز:** آنچه بر مردم افغانستان می‌گذرد قابل وصف نیست. دلهره، اضطراب و تشویش بیش از همیشه بر سر این مردم آوار شده است. حضور طالبان موجی از بیم و وحشت را در مردم افغانستان به وجود آورده که آن را با همه وجودشان لمس می‌کنند. در این میانه، همیشه نقش کشورهای همسایه و قدرت‌های بزرگ، مهم و سرنوشت‌ساز بوده است، حال آنکه بیش از اینکه سیاست حمایت از حقوق مردم افغانستان را از این گروه‌ها شاهد باشیم، سیاست سکوت بر هر چیزی غالب شده است.

اینکه در روزگار حاضر، طالبان با شمایلی نه‌چندان متفاوت از قبل داعیه تفکری متفاوت را دارد، مسئله‌ای است پیچیده که با توجه به ذهنیت موجود، کمی دور از تصور جلوه می‌کند. حال آنکه کشورهای همسایه و قدرت‌های بزرگ نیز راه را برای جولان این گروه باز گذاشته‌اند و آنها نیز توانستند با فشار حداقلی بر افغانستان سیطره پیدا کنند. هم‌مرزبودن افغانستان با کشورهایی مانند پاکستان، چین و ایران می‌تواند عاملی تأثیرگذار در مسئله حضور و استقرار نیروهای طالبان و سلطه آنان بر شهرهای مهم افغانستان باشد. یکی از این همسایگان، کشور چین در شمال شرقی است. چین، به‌ویژه در سال‌های اخیر سعی زیادی بر رابطه مسالمت‌آمیز با کشورهای همسایه و حتی دیگر کشورهای منطقه دارد تا بتواند از یک طرف مبادلات تجاری خود را از راه‌های مرزی و مواصلاتی انجام دهد تا خللی در روند آن ایجاد نشود و از طرفی سعی بر اجراشدن فرایندهای طرح «کمربند و جاده» دارد تا این پروژه عظیم را متوقف نکند و به روند نهایی‌شدن آن کمک کند. اگر بخواهیم نگاهی تاریخی به رابطه چین و افغانستان بیندازیم به سال ۱۹۵۵ و شروع روابط رسمی دیپلماتیک و همه‌جانبه برمی‌گردد. داشتن ۹۰ کیلومتر مرز مشترک بین دو کشور نیز مسئله‌ای حائز اهمیت است که دولت چین به اهمیت استراتژیک آن از لحاظ جغرافیایی واقف است. افغانستان می‌تواند مسیری میان‌بر و کم‌هزینه‌تر و مطمئن‌تر برای واردات نفت و گاز از خاورمیانه به چین باشد. همان‌گونه که اشاره شد، برای پیشبرد طرح «کمربند و جاده»، افغانستان نقش مهمی در ایجاد مسیرهای تجاری و حمل‌ونقل دارد و حفظ امنیت و ثبات آن حائز اهمیت است. در مسئله مبادلات تجاری، صادرات و واردات بین دو کشور، آنچه مهم جلوه می‌کند افزایش میزان مبادلات و ارتباطات تجاری و اقتصادی دو کشور است که براساس آمارهای مؤسسات بین‌المللی در سال‌های اخیر رشد فزاینده‌ای داشته است. بیان این نکات بر این مدعا گواهی می‌دهد که نقش کشور افغانستان، نقشی مهم و حیاتی برای چین دارد و رهبران چین بر این باورند که فارغ از وجود هرگونه ناامنی داخلی در افغانستان یا حضور هر حزب و گروه و دسته‌ای، به مرزهای مشترک با چین و سطح روابط و مبادلات با آن نباید خللی وارد شود.

اینکه چین جزء اولین کشورهایی می‌شود که دست دوستی و همکاری با طالبان دراز می‌کند نکته‌ای است که خیلی هم دور از تأمل نیست، چراکه چین علاقه‌ای به هزینه نظامی آن هم در مرزهای مشترکش با افغانستان در حضور طالبان ندارد تا بتواند اهداف تجاری و اقتصادی‌اش را تداوم ببخشد.

هو آ چان ینگ، سخنگوی وزارت امور خارجه چین، در سخنان خود اظهار کرد که «دولت چین به آرزوها و انتخاب‌های مردم افغانستان احترام می‌گذارد» و همچنین این موضوع را اذعان کرد که «طالبان این اطمینان را داده است که جنگی در کار نخواهد بود و بر سر تشکیل یک حکومت اسلامی آزاد و فراگیر مذاکره خواهند کرد. دولتی که آزادی و امنیت را ارمغان خواهد آورد». چینی‌ها حتی در دیداری با یکی از رهبران طالبان، ملا عبدالغنی برادر این اطمینان را از او گرفته‌اند که هیچ اقدامی از طرف طالبان در جهت برهم‌زدن امنیت مرزهای چین صورت نگیرد. از سویی دیگر رهبران طالبان از چین برای ایجاد ثبات، امنیت و برقراری صلح و آشتی در افغانستان درخواست کمک کرده‌اند تا روند انجام این مهم برایشان تسهیل شود. با توجه به پس‌زمینه تاریخی و فلسفه وجودی طالبان، اطمینان به این وعده‌ها برای چین مثل راه‌رفتن روی لبه تیغ است. گرچه به نظر می‌رسد چین نیز با توجه به سبقه طالبان و اعمالی که حتی علیه آنها و پروژه‌هایشان در پاکستان صورت گرفت، نگاهی مطمئن به این توافق و وعده‌ها ندارد. گرچه به نظر می‌رسد انتخاب را باید از میان بد و بدتر انجام می‌داد. تقریبا می‌شود با اطمینان گفت که دولت چین، برای حفظ منافع خود دست به این تعامل زده و خطرات و ریسک‌های آن را نیز پذیرفته است، چراکه این احتمال وجود دارد که با شکل‌گیری امارت اسلامی و حکومت آنها بر مردم، وعده‌ها شکل دیگری به خود بگیرند. پرواضح است که دولت چین دغدغه حقوق مردم افغانستان (به‌ویژه زنان و کودکان) را تحت سیطره طالبان ندارد و تنها منافع مشخص خود را در مناطق مرزی و منطقه دنبال می‌کند و با این کار می‌خواهد هرچه بیشتر بر نقش بی‌طرفی خود تأکید کند. گرچه این بازی برای چین می‌تواند در آینده شکل‌ها و نتایج جدید و چه بسا غیرقابل پیش‌بینی‌ای داشته باشد.